

آکادمی کنکور دانشگاه تهرانی ها

کلاس کنکور

مشاوره ی حضوری ، تلفنی و آنلاین



توسط دانشجویان دانشگاه تهران و شریف

برای ثبت نام و یا دانلود مطالب آموزشی به سایت ما مراجعه کنید

[www.Daneshgahtehraniha.com](http://www.Daneshgahtehraniha.com)

## آموزش عروض و قافیه به ساده ترین شکل

### به نام خدا

### مصوت و صامت

حرف ملفوظ بر دو گونه است: مصوت و صامت.

**مصوت:** زبان فارسی دارای سه مصوت کوتاه و سه مصوت بلند است. مصوت های کوتاه (= حرکات عبارتند از: َ ، ِ ، ُ) مثلاً در کلمات «سَر» ، «دِل» ، «پُل» ، حرکات حرف هستند اما در خط فارسی به صورت اعراب رو یا زیر حرف قرار می گیرند و بعد از آن تلفظ می شوند، مثلاً در کلمه ی «دِل» که به صورت «دِل» به تلفظ در می آید.

مصوت های بلند عبارت است از «و» ، «ا» ، «ی» مثلاً در واژه های «کو» ، «پا» ، «سی» .

- علامت «و» در خط فارسی نماینده ی سه حرف ملفوظ است. مثلاً در واژه های «تو» ، «سود» ، «وجد» . به علاوه در کلمه ای مثل «نو» (ن + و + ن) نماینده ی دو حرف ملفوظ است. علامت «ی» نیز نماینده ی دو حرف ملفوظ متفاوت است. مثلاً در واژه های «سی» که مصوت بلند است و «وی» که صامت است.

صامت: زبان فارسی دارای 23 صامت است:

ء (=ع) ، ب ، پ ، ت (=ط) ، ج ، چ ، خ ، د ، ر ، ز (=ذ، ظ، ض) ، ژ ، س (=ث، ص) ، ش ، غ (=ق) ، ف ، ک ، گ ، ل ، م ، ن ، و (در اول کلمه ی «وجد» ) ، ه (=ح) ، ی (در اول کلمه ی «یاد»)

### هجا

هجا (بخش) یک واحد گفتار است که با هر ضربه ی هوای ریه به بیرون رانده می شود.

### انواع هجا

در وزن شعر، هجاهای فارسی از نظر امتداد (تعداد حروف) سه نوع اند: کوتاه ، بلند ، کشیده:

**1- هجای کوتاه:** که دارای دو حرف است با علامت U مانند کلمات نَ (نه) ، بْ (تو).

**2- هجای بلند:** که دارای سه حرف است با علامت - مانند کلمات سر، پا.

**3- هجای کشیده:** که دارای چهار یا پنج حرف است با علامت U مانند کلمات نرم، سرد، پارس و کاشت.

هر هجای کشیده معادل است با یک هجای بلند و یک هجای کوتاه. یعنی سه حرف اول برابر یک هجای بلند و یک یا دو حرف بعد معادل یک هجای کوتاه است. مثل واژه های:

نَ نَ م      سَر د

U - U -

راهنمای جدول

(ا.م.پ) = آغاز . میان . پایان مصراع قرار می گیرد

(فا) = فقط آخر مصراع

(غا) = غیر آخر

جدول ارکان عروضی

یک هجایی	دو هجایی	سه هجایی	چهار هجایی
فع ← -	فعل ← - U	فعلن ← - UU	فعلات ← - UUU
(فا)	(فا)	(ا.م.پ)	(غا)
فع لن ← - -	فعولن ← - - U	فعلاتن ← - - UU	
(ا.م.پ)	(ا.م.پ)	(ا.م.پ)	
	فاعلن ← - U	مفتعلن ← - U	
	(ا.م.پ)	(غا)	
	مفعول ← - - U	مفتعلن ← - UU	
	(غا)	(ا.م.پ)	
	مفعولن ← - - -	مفاعِل ← - UU.U	
	(ا.م.پ)	(غا)	
		مفاعِلن ← - U.U	
		(ا.م.پ)	
		مفاعیل ← - U..U	
		(غا)	
		مفاعیلن ← - - - U	
		(ا.م.پ)	
		فاعلات ← - U.U	
		(غا)	

فاعلاتن ← - U - -			
( ا . م . پ )			
مُسْتَفْعِلٌ ← - U U			
( غ ا )			
مُسْتَفْعِلِن ← - U - -			
( ا . م . پ )			

## آموزش عروض و قافیه

هر ( U - - - ) یک رکن است.

ارکان به سه شکل است.

ترکیب ساده: فعولن فعولن فعولن

ترکیب همگون: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

ترکیب ناهمگون: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن فع

مفعولٌ - فعلاثٌ - فاعلاثٌ - مفاعیلٌ و تمام ارکانی که آخر آنها باشد در آخر نمی آیند. زیرا - U - U U , U هیچ گاه آخر نمی آیند.

## چند قاعده برای تقطیع:

1/ در هنگام تقطیع، هجای سه حرفی را به یک هجای دو حرفی تقسیم می کنیم: کار = کا , ر

2/ در هنگام تقطیع، از هجای چهار حرفی، حرف چهارم را افکنده، سپس هجای سه حرفی باقیمانده را مطابق قاعده ی (1) به یک هجای دو حرفی و یک هجای یک حرفی تقسیم می کنیم: دوست ← دوس ← دو , س

3/ در آخر مصراع هجای سه حرفی و چهار حرفی به دو هجا تقسیم نمی شود بلکه با همان شکل، یک هجای دو حرفی محسوب می گردد.

4/ در هجاي سه حرفي اگر حرف دوم، مصوت بلند و حرف سوم (ن) ساکن باشد، مصوت بلند را به مصوت کوتاه تبديل مي کنيم ( مي توان به جاي تبديل مصوت بلند به مصوت کوتاه (ن) را حذف کرد). **مانند:** جان ← جُن / چون ← چُن / زين ← زُن يا جان ← جا و... (حذف نون)

اما به ندرت اتفاق مي افتد که بايد مطابق بند (1) عمل گردد.

**مانند:** قامت آزاده راز راه تملق/ پيش فرومياگان (فُ رو ما ي گان) (U - - U - U) خم نتوان کرد.

5/ حروف مشدد را دو حرف بايد به حساب آورد. **مانند:** معطر ← مَ عَط طر ( - - U )

6/ گاهي به جاي دو هجاي کوتاه (U U) يك هجاي بلند قرار مي گيرد. **مانند:** گَردم (- -) = گَرد م (U U -) / دانا (- -) = دانا (U U -) / ستمکاران (- - U) = ستم کاران (U - - U U)

7/ (ه ه) در کلماتي مانند «دانه» و «بهره» حرف نيست بلکه نماد کسره يا مصوت کوتاه (ه) است و در تقطيع به حساب نمي آيد مگر در آخر مصراع که آن را يك صامت ساکن مي انگاريم.

**مانند:** گشته (U -) / همه (U U) / شده (U U)

8/ همزه اي که بر روي (ه و ه) نماد کسره (نوشته مي شود (ي) مکسور است و خود به تنهائي يك هجاي کوتاه محسوب مي شود. **مانند:** گفنه = گف ن ي

9/ حرف عطف (واو) بيشتري ضمه تلفظ مي شود و در تقطيع حرفي مستقل به شمار نمي رود. اما اگر پيش از آن مصوت باشد (ؤ) خوانده مي شود. **مانند:** تكيه بر تقوا و دانش ← تقوا و دانش

10/ (و) در کلماتي نظير (تو، خورشيد، خود) نماد ضمه است نه حرفي مستقل. ولي در آخر مصراع آن را (واو ساکن) صامت مي شماريم. **مانند:** تاب بنفشه مي دهد طره ي مشک ساي تو (واو در «تو» ساکن تلفظ مي شود).

11/ (و) در کلماتي نظير (خويش، خواندن، خواهش) در تقطيع به حساب نمي آيد. زيرا عروض مبتني بر تلفظ است نه کتابت. **مانند:** خويش = خيش

12/ (آ) اگر مستقل تلفظ شود، برابر است با (عا) و یک هجای بلند است. **مانند:** آجل = عاجل

اما گاهی با حرف ساکن پیش از خود پیوسته تلفظ می شود و در این صورت تنها ارزش یک مصوت بلند دارد.

**مانند:** آدم آورد = آدم آورد

13/ همزه ی اول کلمه که به شکل (الف) نوشته می شود، گاه مستقل به تلفظ در می آید. **مانند:** دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما = دوش از - U - / و گاه با حرف ساکن پیش از خود پیوسته تلفظ می گردد. **مانند:** یاران طریقت بعد از این تدبیر ما = بعدزین - U -

14/ در کلماتی که آخرشان به کسره (ـِ) ، ضمه (ـُ) و نماد کسره یا ضمه (ـَ ، هـ ، و) ختم شود، گاهی کسره یا ضمه از حد معمول یک مصوت کوتاه کشیده تر تلفظ می شود. در این صورت هجای کوتاه را بلند به شمار می آوریم. **مانند:** شب تاریک و بیم موج و ... / از نی کلک همه قند / تو بمان ای آنکه چون تو (واو دومین تو ساکن تلفظ شود)

15/ اگر مصوت بلند (ی) در وسط و آخر کلمات به مصوت کوتاه یا بلند دیگری متصل شود، به صامت پیش از آن کسره می دهیم و (ی) مصوت بلند را به (ی) صامت تبدیل می کنیم.

**مانند:** خیابان = خیابان / ساقی = ساقی / بیا = بیا / روزی = روزی / سیه = سیه / تعبیه = تعبیه

16/ مصوت بلند (و) گاهی کوتاه تر از حد معمول یک مصوت بلند تلفظ می شود و بنابراین یک مصوت کوتاه به حساب می آید (مانند قاعده ی 10). مثال: آهویی = آهویی / سویی = سویی / ابرویت = ابرویت

17/ عبارات عربی را چنان که خوانده می شود تقطیع می کنیم نه بدان گونه که نوشته می شود.

**مانند:** الا یا ایها الساقی... = أ لا یا ای ی هس سا قی ا یر کأ سن و نا ول ها

یا: فی الفلوات = فل فـ لـ وا تی

18/ بعضی از مصراع های دارای وزن (ساده ی دو رکنی کامل یا چهار رکنی کامل) و (همگون کامل) را می توان به دو مصراع کوچکتر (= دو رکنی ← دو مصراع یک رکنی؛ چهار رکنی ← دو مصراع دو رکنی) تقسیم کرد. این نکته حائز اهمیت است که پایان هر یک از این مصراع های کوچکتر نیز همانند پایان مصراع معمولی است. یعنی اگر آخرین هجای آنها یک حرفی، سه حرفی یا چهار حرفی باشد، باید دو حرفی انگاشته شود.

**مانند:** برگ درختان سبز در نظر هوشیار / آغاز عالم غلغله پایان عالم زلزله / عشقی و شکری با گله آرام با زلزله

19/ (مفتعلن) و (مفاعلن) مي توانند در بسياري از موارد به جاي هم بنشينند, بي آنکه آهنگ و وزن شعر مختل شود.

مفتعلن به جاي مفاعلن ← بهار شد بهار شد وطن چو لاله زار شد / تا که شمارد اين همه لاله ي بي شمار را ← مفاعلن  
مفاعلن مفاعلن مفاعلن ← مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن

مفاعلن به جاي مفتعلن ← مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفاعلن ← مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفاعلن

20/ هرگاه اولين رکن مصراعي (فعلاتن) باشد مي تواند به جاي آن (فاعلاتن) بيايد. ولي عکس آن جايز نيست.

فعلاتن فعلاتن فعلن ← فاعلاتن فعلاتن فعلن

21/ هرگاه آخرين رکن مصراعي (فعلن) باشد, مي توان به جاي آن (فع لن) آورد.

مانند: مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن = مفاعلن فعلاتن مفاعلن فع لن

بنابراين دو قاعده اگر اول مصراع فعلاتن و آخر آن فعلن باشد بيت ممکن است به چهار احتمال تقطيع شود.

مثالي چند براي دو قاعده ي (20 و 21): لب شيرين گشود و با من گفت / وز شکر خنده ريخت آب از قند ← فعلاتن (= فاعلاتن) مفاعلن فعلن (= فع لن)

22/ در برخي از مصراع ها و ابیات گاه چنان پيش مي آيد که با تغيير جاي «تکيه» مي توان آن مصراع يا بيت را به دو يا چند وزن خواند. وزن اصلي مصراع يا بيت « دو وزني » را بايد از وزن بقيه ي مصراع ها يا بيتها تعيين کرد.

مانند:

- اي مه رخشان شب افروز من (1: مفتعلن مفتعلن مفتعل / 2: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)

- اي ز عکس رخ تو آينه ماه (1: فعلاتن مفاعلن فعلن / 2: فاعلاتن مفاعلن فعلن / 3: فعلاتن (= فاعلاتن) فعلاتن فعلن)

- در مصراع اول بيت زير مي توان با افزودن يك حرف تغيير آهنگ ايجاد کرد:

لب بر لب ني بر سنگي نشستم/ سر کرد ني با من نواي کوهساران ← مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع

لب بر لب ني بر سر سنگي ب + نشستم ← مفعولُ مفاعيلُ مفاعيلُ مفاعيل

## مراحل تقطیع:

- 1/ درست و روان خواندن شعر با رعایت اصول دکلماسیون و حذف آنچه در خط هست ولی تلفظ نمی شود.
- 2/ هجا هجا خواندن تمام ابیات بر اساس تلفظ نه کتابت (مثل بخش کردن کلمات در کلاس های ابتدایی).
- 3/ هجا هجا نوشتن مصراع اول و سپس هجا هجا نوشتن مصراع دوم در زیر مصراع اول به گونه ای که هجاهای مصراع دوم به ترتیب دقیقاً در زیر هجاهای مصراع اول قرار گیرد.
- 4/ قرار دادن علائم هجایی کوتاه و بلند (U, -) در زیر هجاها
- 5/ گروه بندی هجاها (بنا به توالی و تکرار: دوتا دوتا - چهارتا چهارتا - سه تا سه تا - پنج تا پنج تا - هفت تا هفت تا - هشت تا هشت تا)
- 6/ اگر مصراع دارای دو گروه هفت تایی یا هشت تایی باشد، هر گروه آن مجدداً به دو گروه (3 و 4 یا 4 و 3) و (4 و 4) تقسیم می شود.
- 7/ اگر هجاهای کوتاه و بلند پراکنده باشد نه مرتب و مکرر، بیت دارای وزن ناهمگون است. در این صورت بندهای 5 و 6 قابل اجرا نیست. می توان به وسیله ی حفظ اوزان ناهمگون، وزن را بر بیت عرضه کرد و گروه بندی مناسب را آنجا داد. (ناگفته نماند که این روش پس از آموخته شدن کامل ذهن با اوزان، در مورد تمام وزن ها به کار گرفته می شود).
- 8/ گذاشتن معادل برای گروه های هجایی مطابق جدول ارکان عروضی (مثل U - = فعولن).
- 9/ تعیین نام وزن شعر = کجایید ای شهیدان خدایی ← مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (فعولن) ← وزن ساده ی مفاعیلن سه رکنی ناقص  
مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن ← وزن همگون مفعول مفاعیلن کامل «دوری»